

# شوگ مشکوک بیروت

عصر دیروز ۲ انفجار بسیار مهیب بندر بیروت را لرزاند که تعداد زیادی کشته و زخمی برجای گذاشت، گمانه‌زنی‌ها درباره ابعاد مساله همچنان ادامه دارد



تهران در شاخص نسبت قیمت مسکن به درآمد جزء گران‌ترین شهرهای دنیاست، عرضه زیاد مسکن راه اصلی بهبود این شرایط است

# تهران پنجمین شهر گران دنیا در مسکن

عکس: سینوید حسینی / آرمینتک‌ان

تحریم، کمبود زیرساخت تولید در داخل و دلالت‌ها سوهان روح بیماران دیابتی

## تلخ تلخ، مثل کمبود انسولین



جزییات پذیرش بدون آزمون در ۴ واحد دانشگاه آزاد

## دست‌پر دانشگاه آزاد برای داوطلبان خاص



مشکلات کولبرها و رای هشتگ‌هایی که

هر از چندگاهی داغ و به سرعت سرد می شوند

## روزی روزگاری کولبری



گزارش

### شوگ مشکوک بیروت

عصر دیروز ۲ انفجار بسیار مهیب بندر بیروت را لرزاند که تعداد زیادی کشته و زخمی برجای گذاشت، گمانه‌زنی‌ها درباره ابعاد مساله همچنان ادامه دارد

**فرهیختگان** عصر روز گذشته یک انفجار کوچک و به‌دنبال آن یک انفجار بزرگ، بیروت، پایتخت لبنان را لرزاند. گفته می‌شود این انفجار در یک انبار حاوی نیترات و بنزین در بندر بیروت رخ داده و شدت آن بخشی از انبار و سیلوی گندم را که به‌محل حادثه نزدیک بوده نیز فروریخته است. شبکه‌ال‌بی‌سی لبنان گزارش داد در نتیجه این انفجار ویرانی گسترده‌در منطقه‌الکرنیتینا و مناطق دیگری از بیروت به‌جا مانده‌و درخوانده‌هایی از تیم‌های امداد رسانی برای کمک‌به کسانی که زیر آوار انفجار گرفتار شده‌اند، مطرح شده‌است. تصاویر ویدئوهای منتشرشده از محل حادثه نشان می‌دهد، همزمان با انفجار بزرگ، ستونی از دود در آسمان شعله‌ور شده‌است. شبکه‌المیادین لبنان گزارش داده که اطلاعات اولیه نشان می‌دهد، این انفجار تروریستی نیست. از طرف دیگر شبکه Otv لبنان نیز به نقل از منابع نزدیک به حزب‌الله اعلام کرده‌اند، آنچه از حمله رژیم صهیونیستی به انبار تسلیحاتی حزب‌الله در بندر بیروت مطرح می‌شود، صحت ندارد. آن‌گونه که رسانه‌های لبنانی اعلام کرده‌اند، بر اثر این انفجار، چندین نفر کشته و ده‌ها نفر نیز مجروح شده و برای مداوا به بیمارستان‌های بیروت منتقل شده‌اند. درباره علت این حادثه تا لحظه نگارش این گزارش، هنوز خبری منتشر نشده و به نظر هم نمی‌رسد به‌سرعت این موضوع مشخص شود اما همزمانی این اتفاق با تلاش‌های برای شکست دولت لبنان کمی مشکوک به نظر می‌رسد. روز دوشنبه ناصیف دولت‌های آمریکا و فرانسه علت اصلی استعفا ناصیف بوده است و به‌طور حتم پس از این استعفا، موج استعفا‌هایباری تحت‌فشار قرار دادن حسان دیاب، نخست‌وزیر لبنان، دولت را فرا خواهد گرفت و حداقل دو یا سه‌وزیر دیگر استعفا خواهند داد. معرفی سریع وزیرخارجه جدید لبنان در روز استعفا ناصیف حتی نشان داد دیاب قصد دارد همچنان به مقاومت برای اداره کشور ادامه دهد. پس از استعفا ی سعد حریری از نخست‌وزیری آن هم در میانه بحران اعتراضات مردمی، جریان نزدیک به غرب در لبنان تمام تلاش خود را معطوف به عدم تشکیل کابینه کرد ولی این حال جریان نزدیک به مقاومت توانست با هوشیاری دولتی بدون حضور سعد حریری را روی کار بیاورد. پس از نخست‌وزیری حسان دیاب و کابینه او با حمایت‌های مقاومت و متحدانش، جریان طرفدار غرب در لبنان مبالغ کلانی افزون بر ۲۰ میلیارد دلار طی مدت کوتاهی از کشور خارج کرد. این اقدام در کنار فشارهای طرف‌های خارجی، منجر به سقوط ۷۰ درصدی ارزش پول ملی لبنان شد. در پشت این اقدام گفته می‌شد رئیس بانک مرکزی لبنان نیز که از نزدیکان حریری بود هم نقش داشته است تا از این طریق، اعتراضات مردمی در لبنان بالا بکشد و به دنبال آن، دولت مورد حمایت مقاومت سقوط کند. باوجود این، دولت لبنان سر پا ماند و استعفا ی وزیرخارجه هم تأثیر خود را نگذاشت تا اینکه عصر روز سه‌شنبه، یک انفجار در لبنان رخ داد. انفجار در فرای روزی که وزیرخارجه لبنان با فشارهای غرب استعفا داده تا فرآیند سقوط دولت آغاز شود، کمی غیرعادی است. این حادثه می‌تواند تا هفته‌های نگرانی رژیم صهیونیستی برای انتقام حزب‌الله لبنان را مرتفع کند. در هفته‌های گذشته و پس از عملیات تل‌آویو در سوریه که منجر به شهادت یک رزمنده حزب‌الله لبنان شد، بخش‌هایی از ارتش از رژیم در آماده‌باش کامل در مناطق مرزی قرار داشتند. نگرانی صهیونیست‌ها به‌حدی بود که پس از یک تبادل آتش، صهیونیست‌ها به گمان عملیات حزب‌الله جلسه امنیتی برگزار کردند. اما برخلاف تصور صهیونیست‌ها، اگر در پس این انفجار، هر عاملی به‌جز رخداد طبیعی بوده باشد، هزینه نخست‌ان را رژیم صهیونیستی خواهد داد.

مشکلات کولبرها و رای هشتگ‌هایی که هر از چندگاهی داغ و به سرعت سرد می شوند

### روزی روزگاری کولبری

کرده بودند. این طرح علاوه بر اینکه فاقد عقلانیت است، قابلیت اجرایی نداشته، ندارد و نخواهد داشت. آیا کولبری براساس تعریف قانونی شغل به حساب می‌آید؟ قانون درباره اطلاق واژه شغل، تعریف مشخصی دارد و نمی‌توان فردی را که هفته‌ای یک‌بار یا ماهی چندبار به‌مرز می‌رود، شاغل نامید. زمانی که کولبری شغل نیست، چگونه می‌توان از بیمه کولبری سخن گفت؟ آیا می‌توان کسی را که در کمتر از چند سال بر اثر فشار کولبری زمینگیر می‌شود، بیمه کرد؟ با فرض تعریف کولبری به‌عنوان شغل، چگونه حرفه‌ای را که اساس آن مبتنی بر جرم یعنی عبور و مرور غیرقانونی از مرز است، می‌توان شغل حساب کرد؟ حتی با کنار گذاشتن تمام این ایرادات، تا چند دهه سال و چند نسل می‌توان این شغل کاذب را که هیچ حاصلی برای کشور ندارد، به رسمیت شناخت؟ ۳- مقصر کیست؟ اگر دولت فعلی، پیش از مسدود کردن مرزها، با بررسی‌های کارشناسی در این‌باره تصمیم‌گیری می‌کرد، امروز با بحران مواجه نبودیم. دولت بدون توجه به اینکه بازارچه‌های مرزی و بعدها معابر کولبری، ایجاد شدند تا شکافی که بین مرکز و پیرامون به‌ویژه در مناطق مرزی ایجاد شده، کمی ایجاد پیدا کند و مردم مناطق مرزی از فقر اقتصادی نجات پیدا کنند در سال ۱۳۷۲، براساس ماده ۱۱ قانون صادرات و واردات، اجازه پیدا کرد در هر یک از مناطق مرزی که ایجاد بازارچه را مفید تشخیص می‌دهد با رعایت اولویت‌هایی اقدام کند. این قانون نشان می‌داد دولت‌ها تا سال ۷۲ هیچ کاری برای ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی نکرده بودند و با تصویب چنین قانونی، به‌دنبال یک مسکن مقطعی برای توسعه مناطق در آینده بودند اما این اتفاق در آینده نیز نیفتاد. با این وجود، دولت روحانی مردادماه سال ۹۷، آیین‌نامه‌ای را تصویب و ابلاغ کرد که منجر به تعطیلی معابر مرزی شد. در سردشت بیش از ۱۰ هزار خانوار دفترچه مرزی داشتند و می‌توانستند با عبور قانونی از مرز، با قاطر کالا وارد کشور کنند. با مسدود شدن مرز، تقریباً منبع اصلی درآمد مردم مناطق مرزی در مریوان، سردشت، پیرانشهر و... مسدود شد. تحریم‌ها و افزایش قیمت دلار در همان دوران، بسیاری از شغل‌ها را با رکود مواجه کرد و بر جمعیت بیکاران افزود تا تدام و این وضع، هیچ افتی جز کولبری را پیش روی مردم مناطق مرزی نگذارد. دولت مناطق مرزی را مسدود کرد و نیروهای نظامی نیز موظف به برقراری امنیت در مرزها بودند. از سوی دیگر، رئیس دولت صراحتاً اعلام کرد که مسئول ایجاد شغل نیست مردم مناطق مرزی، یک کوله‌پشتی بردارند و به دل کوه بزنند. دولت با تصمیمات و سیاستگذاری اشتباه، مردم را تبدیل به کولبر کرد و حالا که به‌دلیل بیکاری، تعداد کولبران از ۲۰ هزار نفر به بیش از ۱۰۰ هزار نفر رسیده، توانایی مهار این اوضاع را ندارد. باورش هم سخت است اما بخشی از کولبرانی کشته‌نمی‌شوند. برخی از آنان به دلیل انفجار مین، سقوط از پرتگاه، یخ‌زدگی یا افتادن در رودخانه جان‌شان را از دست می‌دهند.

۲- آیا باید کولبران را بیمه کرد؟ این یکی از پیشنهادها و حتی طرح‌های عجیبی است که نمایندگان مناطق مرزی آن را تدوین

خطر تیراندازی وجود نداشت، آنها خودشان با انتشار اخبارشان مقابله می‌کردند. در مریوان برخی کولبران، دلیل مسدود شدن مسیر رسیدن به‌مرز از کنار پاسگاه‌ها را لانه‌به‌مسیری بسیار سخت‌تر را انتشار گزارش‌های رسانه‌های اسپا از درگذشت آزاد و فرهاد خسروی می‌دانستند. اکنون که به بهانه انتشار یک گزارش، بار دیگر موضوع کولبری در فضای مجازی داغ شده است، باید از این فرصت استفاده کرد و علاوه بر تشریح وضعیت و به بررسی این مساله پرداخت که برای حل معضل کولبری چه باید کرد؟ ۱- آیا راه حل، آزاد گذاشتن عبور و مرور در مرزهاست؟ پاسخ روشن است؛ خیر. تنها با کمی واقع‌بینی می‌توان درک کرد که یگان‌های انتظامی در معابر مرزی مستقر شده‌اند تا جلوی هرگونه ورود غیرقانونی به کشور را بگیرند. چگونه هنگ مرزی می‌تواند در شب و یا حتی روز تشخیص دهد، فردی که در حال ورود غیرقانونی و یا خروج غیرقانونی است، کولبر است یا خیر؟ آیا امکان این وجود دارد که تیم تروریستی در قالب کولبران نشان از کمپوز شود؟ اگر نظارتی بر مرز وجود نداشته باشد، این اتفاق به آسانی خواهد افتاد. نمونه‌اش تیرماه سال ۹۷، یک تیم ۱۴ نفره تروریستی در پوشش کولبر از مرز پیرانشهر قصد ورود به خاک ایران را داشتند. سروان شهید سیدعلی هاشمی، فرمانده پاسگاه تمرچین ۲ به گمان اینکه آنها کولبر هستند، به‌نیروهایش دستور عدم تیراندازی داد. بعد از زمانی که پاسگاه مرزی جلوی این افراد را می‌گیرد و متوقف‌شان می‌کند، یکی از همان تیم در پوشش کولبر، اولین گلوله را به‌قاب شهید هاشمی شلیک می‌کند. از این تیم تروریستی نقشه‌عملیات در ایران کشف شد. گاهی برخی از پوشش کولبری استفاده می‌کنند تا مشروبات الکلی و حتی سلاح و دوربین‌های دید در شب را وارد کشور کنند. در ساده‌ترین حالت، اتباع مجرم ایرانی و بیگانه به‌راحتی و بدون هیچ مانع‌مندی می‌توانند از کشور خارج یا وارد کشور می‌شوند. گزارش‌های بی‌شماری در رسانه‌ها منتشر شده که نشان می‌دهد قاتلان، سارقان و کلاهبرداران بزرگ زمانی دستگیر شده‌اند که قصد خروج غیرقانونی از همین مرزها را داشته‌اند. جدای از این، کدام کشور در مرزهای خود نیروی نظامی مستقر می‌کند و برابر تردد غیرقانونی نیز سکوت می‌کند؟ اگرچه کسانی که بر اثر تیراندازی کشته می‌شوند به نسبت بیش از ۱۰۰ هزار کولبری که در مرز فعالند، تا بیابان است و این نشان از ممانعت مرزبانان با کولبران دارد، اما با این حال باید به مأمورانی که برای حفظ و حراست از کشور در مرزها حاضر دارند، قانون به‌کارگیری سلاح و سلسله‌مراتب آن آموزش داده شود. براساس این قانون، مأموران باید پس از هشدار، با تیره‌وایی، شلیک کمر به پایین و در نهایت شلیک کمر به بالا در متوقف کنند. اما تمام کولبران که بر اثر تیراندازی کشته‌نمی‌شوند، برخی از آنان به دلیل انفجار مین، سقوط از پرتگاه، یخ‌زدگی یا افتادن در رودخانه جان‌شان را از دست می‌دهند.

۲- آیا باید کولبران را بیمه کرد؟ این یکی از پیشنهادها و حتی طرح‌های عجیبی است که نمایندگان مناطق مرزی آن را تدوین



یادداشت



صادق امامی  
دبیر گروه بین‌الملل

آرتور شوپنهاور، فیلسوف بزرگ آلمانی تراژدی با همان غمنامه را نمایش یک شوربختی بزرگ می‌داند. تراژدی نوعی نمایشنامه است که با حوادث غم‌انگیز پیوند خورده است و با مرگ قهرمان و این اتفاق ناخوشایند و تلخ دیگری پایان می‌پذیرد. کولبری هم یک تراژدی با معادل فارسی اش «غمنامه» و «سوگنامه» است؛ سوگنامه‌ای که باز یگران در آن نمایش نمی‌دهند بلکه زندگی می‌کنند و تلخ می‌میرند. سوگنامه کولبری، برخلاف نمایش تراژدی، کشمکش بین خداوند و شاهدانگان نیست بلکه جدالی بین طبقات فرودست با تصمیمات اشتباه است. این جدال و کشمکش سال‌هاست که در مرزهای غربی کشور ادامه دارد و هر از چند وقتی نیز با انتشار خبر مرگ کولبر، برای ساعتی فضای مجازی درگیر آن می‌شود و توافق و رخدادی دیگر، سکوت ادامه پیدا می‌کند. در روزهای گذشته، انتشار یک گزارش از کشته و زخمی شدن چند کولبر در مرزهای غربی و شمال غربی یک‌بار دیگر موضوع کولبری را به هشتگی داغ در فضای مجازی تبدیل کرد. «کولبر» هشتگ‌ها و نه‌نوشته‌ها نمی‌توانند در این تراژدی نقشی ایفا کنند. شاید به همین دلیل بود که برخلاف کسانی که در توئیتر از کولبری هشتگ می‌زدند، ناتوان‌تر از این بود که درباره این پدیده ناخوشایند چیزی بنویسند و حتی در برابر درخواست برای نوشتن یادداشتی در این‌باره در روزنامه مقاومت کردیم. این اعتراف به ناتوانی قلم فردی است که دی‌ماه ۹۸، به مریوان و ارتفاعات تنه رفت و نه هزار یا دو هزار کلمه بلکه ۶ هزار کلمه درباره کولبر و کولبری نوشت. این ناتوانی قلمی است که به‌همین ۹۸ در سخت‌ترین شرایط آب‌وهوایی یک هفته در مرزهای شمال غرب و غرب از سردشت پیرانشهر تا سقر و مریوان جست‌وجو کرده‌اند تا گفته‌های کولبری بلکه واقعیت کولبری را بنویسند. در روستای مرزی درمان آباد سردشت، سرما و بارش سنگین برف، مرز را بسته بود و تقریباً هیچ کولبری حاضر به خطر نبود تا با او همراه شوم. در پیرانشهر، وضع بدتر از سردشت بود و حتی کولبرانی که روز قبل از ماهی مرز شده بودند، به علت بوران شدید، از میانه راه بازگشته بودند. یک راه باقی مانده بود و آن هم مریوان بود. شنبه ۲۶ بهمن‌ماه ۹۸ با وجود اخبار ضدوتقویض از مسدود بودن راه، به کوه تنه رفتیم. یک خط پریچ‌وخم، برف کاملاً یک‌دست کوهستان را بسته کرده بود. این خط خاکی پای کولبرانی بود که پس از تقریباً ۱۰ روز بارندگی، دل به کوهستان زده بودند تا از راه کولبری نانی به دست آورند. من در این یک هفته با هر کسی که گمان می‌کردم درباره کولبری اطلاعاتی دارد، گفت‌وگو کردم. حاصل گفت‌وگو با فرماندهان مرزی، اساتید دانشگاه، مقامات محلی، یکی از وکلای کشته‌شدگان و کولبران، گزارشی ۱۴۰ صفحه‌ای شد که تا امروز به دلیل بحران کرونا، انتشار آن به تعویق افتاده است. من تلاش کردم در این گزارش، به دور از احساسات از «بارانداز»، «کول» و «کولبر» بنویسم، چرا که پدیده کولبری، با احساسات قابل حل نیست و به‌ابزار کارآمدتر نیاز دارد. شاید باور آن کمی سخت باشد اما واقعیت این است که حتی کولبران نیز تمایل چندانی ندارند اخبارشان در رسانه‌ها بازتاب پیدا کند. شاید اگر گاهی